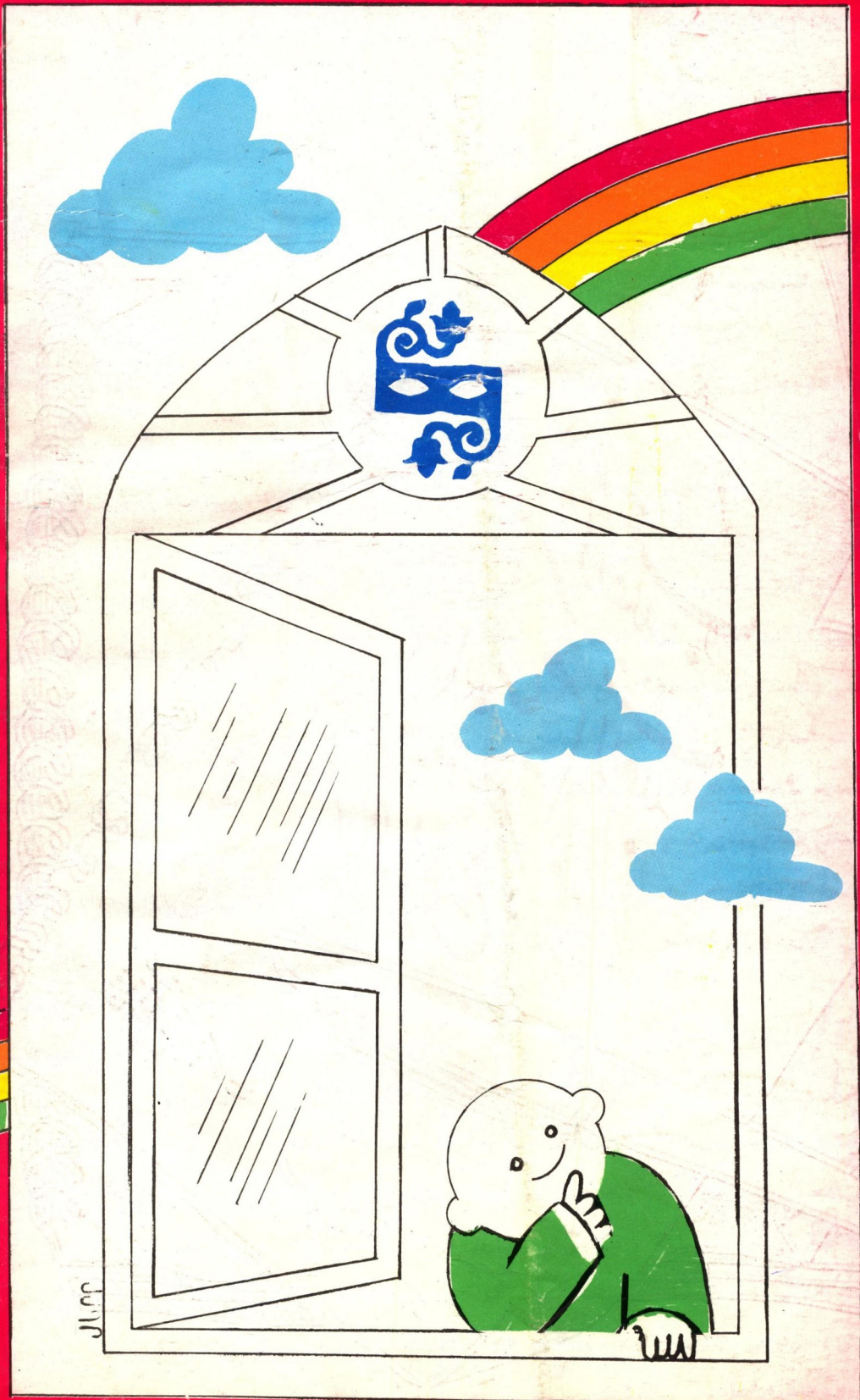


سومپن چشتواره سماسری تائرتو دک

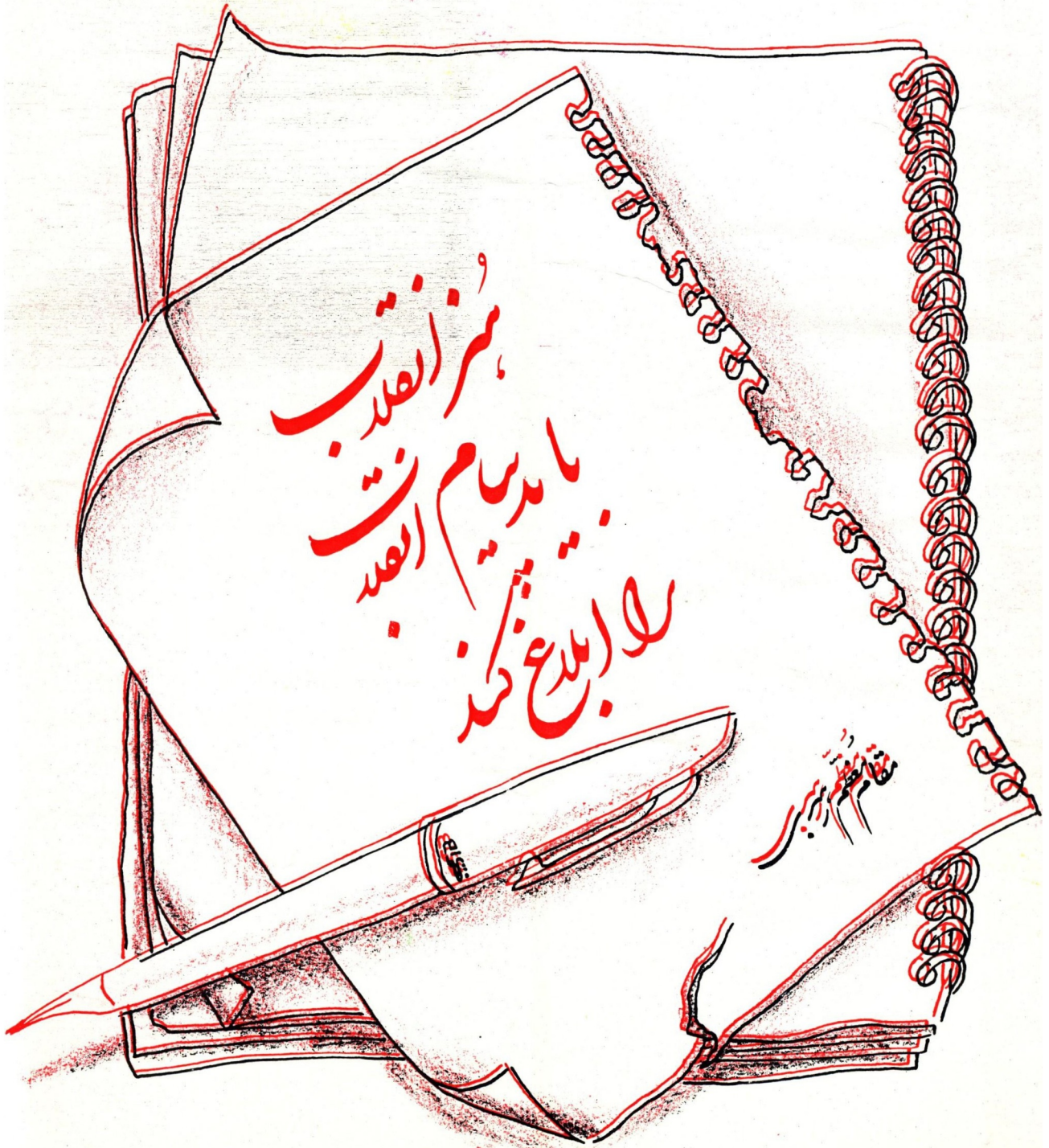
ونوجوان، امید، همدان

۱۰-۱۷ مهرماه ۷۲





الحمد لله الرحمن الرحيم



بسم الله الرحمن الرحيم  
لا اله الا الله

عقلم عظيم  
عقلم عظيم



# پیرامون نمایشنامه نویسی برای کودک و نوجوان

## منصور خلج (۲)



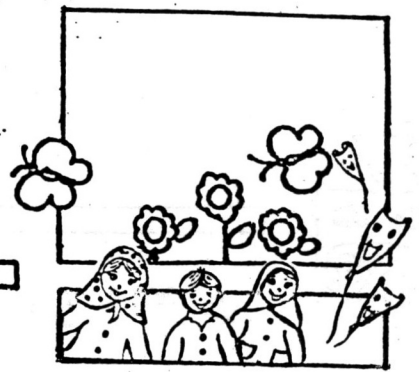
کریستین آندرسن به بهترین هادراین زمینه اهداء میشود.

اما بپردازیم به کشور خودمان، با غرور و سر بلندی میتوانیم اظهار کنیم که ادبیاتی که ما بعنوان کشوری کهنسال با میراثی غنی، از آن بهره مندیم در زمره میراث های پربار بشری است. ما کتابهای ارزشمندی مانند منطق الطیر مثنوی، کلیله و دمنه، شاهنامه، گلستان و بوستان و... داریم. برخی از این کتابها بصورت استعمازه و تمثیل، افسانهها و حکایاتی از زبان حیوانات را با هوشمندی نقل کرده اند. شاید این شعر مشهور را شنیده باشید: کودکان افسانهها میآورند درج در افسانههاشان سرو پند هزلها گویند در افسانهها گنج میجو در همه ویرانهها برخی از مضامین آثار نیاکان ما برای بچهها نیز سرشار از تخیل و آموزش

نویسنده کودک و نوجوان باید در عین حال در درونش و در محیطش و در اثر هنریش به دنیای وسیع انسانها دست یابد. لحظه به لحظه بازی فکری و عواطف را در ذهن و قلب کودک و نوجوان احساس نماید و عشق به کودکبان و نوجوانان یک لحظه او را رها نسازد. در تحقیقی که توسط یک دانشگاه اروپایی بعمل آمده است محققین به این نتیجه رسیده اند که نویسندگان صاحب نامی که عمدتاً مسائل کودکان را در آثارشان طرح نموده اند، همچون چارلز دیکنز، مارک تواین، هنری فیلدینگ، هانس کریستین آندرسن و... عمدتاً در کودکی خودشان محرومیت هائمی کشیده اند، آنوقت چون در سنین بزرگسالی باز به دنیای کودکی رجعت میکنند و به گذشته نقب میزنند به نوعی جبران مافات می کنند. بیشتر آثار این نویسندگان از زندگی کودکی و مشاهدات خود آنها نشأت گرفته است. این را گفتم برای آنکه موضوع را وسیعتر و جهانی تر ببینیم. چرا که امروزه ادبیات جهانی کودکان بوجود آمده است این ادبیات روابط تفاهم انسانی لازم را تقویت میکند و هر سال جایزه هانس

سنین باید دارای همه خواص یک نمایشنامه خوب برای بزرگسالان باشد، منتهی در دایره ای با شعاع کمتر یعنی از نظر ادبی و تمثیلات متناسب با درک و قدرت ذهنی سنین آنها. زیاده گو نباشد و نمایش طولانی نشود. نویسنده کودک و نوجوان باید بداند که احساسات کودک و نوجوان بهمان شدت و قدرت بزرگسالان است با این تفاوت که کودکان کمتر قدرت تجزیه و تحلیل را دارا میباشند. از این رو احساساتشان در حالتی فشرده تر ولی با قابلیت تحریک بیشتر است. در اینجا مجال آن نیست تا مختصات آثار این رشته را بلحاظ سنی طبقه بندی کنم اما همیقدر بگویم که نوشتن نمایشنامه برای کودک، نوجوان کاری سهل و ممتنع است. سهل به این مفهوم که گاه ساده انگاشته میشود و ممتنع و دشوار بدان جهت که کسی که کار کودک میکند میبایست شناختی وسیع از افسانه و ادبیات، روانشناسی و جامعه شناسی، تخیل و فانتزی داشته باشد و بداند که چگونه بازی، تخیل، آموزش، سرگرمی و تفریح را با یکدیگر هنرمندانه تلفیق نماید.

سومین جشنواره مسابقات تئاتر کودک و نوجوان



است روی آوری به آنها توسط کسانی که قدرت پرداخت و نوشتن دارند و میتوانند مفید و برای بچه‌ها بسیار دلنشین و جذاب باشد.

اما این تمام دنیای کودک و نوجوان امروز نیست، مسائل امروز کودک و نوجوان روز بروز وسیعتر و گسترده‌تر میشود. امروز این نسل نوپا فرزند عصر کامپیوتر است. ارتباطات آنها با دستاوردهای مدرن تنگاتنگ و جدایی ناپذیر است. رشد ذهنی آنها همپای زمان روز بروز شتابی فزاینده می‌گیرد. فقط نگاهی اجمالی بیندازید به تیراژ کتابهای کودکان در سالهای اخیر که چه جهشی داشته است.

سئوالی که مطرح میشود اینست که آیا پرداختن به مسائل زمان جای بحث و طرح ندارد. چگونه میتوان به

مسائل معاصر به زبان نمایش کودکان و نوجوان رابطه برقرار کرد، این مضامین را چه کسانی میتوانند بنویسند. خود بچه‌ها چه میزان قادر به این کار هستند مگر نه اینکه تئاتر بازی زندگی است، یک بازی گروهی که در آن زندگی تمرین می‌شود.

بنظر میرسد کم هستند آثاری که جای کودک و نوجوان را در زمان حال مشخص نمایند. امروزه کار نویسندگی برای کودکان و نوجوانان روز بروز شناخته‌تر میشود.

کودکان در هر کجای دنیا که باشند در موارد فراوانی وجوهی مشترک دارند: چه در توکیو یا قاهره چه افریقا و استرالیا و دهلی و تهران. همه آنها تخیلات و رویاهایی مشترک دارند.

آیا جا ندارد که سوء لان و کارگزاران با تشویق نویسندگان کودک و نوجوان و اهمیت دادن به تئاتر این نسل آینده

سازگامی در جهت رشد و اعتلای ادبیات نمایشی کودکان و نوجوانان بردارند و آینده‌ای بهتر و پر بارتر را برای ریزی نمایند.

شاید این سخن را شنیده باشید که گفته‌اند: همواره مردان خشن و انسانهای زیاد ه‌طلب و متجاوز به حقوق دیگران عموماً "کودکانی معلول از لحاظ عاطفی اند که هنوز بگونه‌ای سرگرم بازی‌اند، چرا که در کودکی بدرستی بازی نکرده‌اند."

شاید به دلیل آنکه امکان بازی‌های واقعی در سنین کودکی از آنها گرفته شده و آنها مجال آنرا نیافته‌اند که راه انسانی زیستن را بدرستی بیاموزند. سخنم را با بی‌تی از حافظ بپایان می‌برم که گفته است.

هرکه در مزرع دل تخم و فاسبز نکرد  
ز درویشی کشد از کشته خود گاه درو

### تصحیح و اعتذار

پس از چاپ نوشته استاد نصرا... عبادی پیشکوست تئاتر همدان در بولتن با عنوان "مقدمای دریاب هنر" تذکاریهای از حضرتشان دریافت داشتیم مبنی بر اینکه عنوان انتخابی برای این مقاله ناصحیح بوده و می‌بایست "ویژگیهای محتوایی تئاتر کودک و نوجوان" باشد. لذا ضمن تصحیح عنوان امید پذیرش پوزش از استاد را داریم.

هیأت تحریریه بولتن





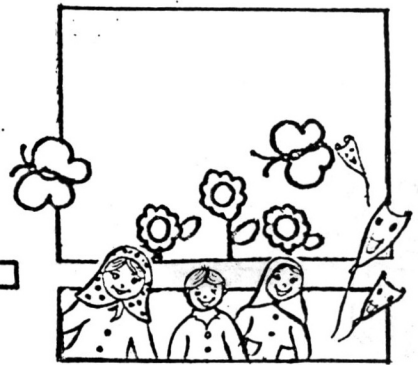
## ..... تا امیدی دیگر

« هـوالجمیل »

یکهفته سیری شد ، عاشقانه دیدیم ، شنیدیم ، و زندگی کردیم ، درکنار هم بودن یکرنگ و یکدل و یکزبان بودن برآستی چه سعادتتی است ، چند روز را عاشقانه زیستیم ، از تجارب هم استفاده کردیم ، آموخته‌هایمان را انتقال دادیم و چه اقبالی است یاد گرفتن درامروز و بکار بستن در فردا دیدمتان آنگاه که صداقت و محبت را در صحنه‌ها کودکان شهرمان قسمت می‌کردید ، آنگاه کسه برق نگاه کودکی را در چشمان خسته‌ی شما می‌دیدم ، بیاد کودکی‌ام می‌افتادم که تشنه‌ی نگاه‌هی آشنا بودم ، وچه زیبا بود لبخند و کف زدنهای کودکی دیگر آنگاه که چشمانش رابه دنیای تازه‌ای - گشودید . فردا اما می‌روید و ما را با خش خش برگها و صدای سوزناک بادهای پاییزی تنها می‌گذارید و من یاد روزی می‌افتم که در سرمای سخت همدان تنها در سالن نشسته‌ام و به پرده‌ی بسته چشم دوخته‌ام ، و تنها صدائی که در سالن پیچیده‌است ، زوزه‌ی باد است آنگاه خاطرات زنده‌ی شمارا در ذهنم تداعی می‌کنم ، . . . . از هرصندلی خاطره‌ای ، از هر گوشه‌ی صحنه خاطره‌ای دیگر آنگاه اشک در چشمانم حلقه می‌زند و آرام باخود می‌گویم کجائید ؟ شلوغی‌ها ، هیاهوها ، بچه‌ها امیدها . کجائید ، گنبدیها ، مشهدیها ، دزفولیها ؟ ملایریها ؟ کجائید دلم برایتان تنگ شده است . . . . .

بهرحال هر آغاز پایانی دارد . و درپس هر سلام ، وداعی نهفته‌است جشنواره امسال نیز بی پایان رسید ، و من و دوستانم مفتخریم که میزبان شما عزیزان بودیم فردا وقت خدا حافظی است و من به امید « امیدی » دیگر تنهائیم را در این خزان « امید » می‌دهم . . . . . باز هم به دیدار ما بیایید .

جشنواره ما حکایتی بود  
حرف و سخن و روایتی بود  
تا سال دیگر خدا نگهدار  
تا قصه دیگری و دیدار



## امید و انتظار

به روزهای آخر جشنواره رسیدیم . تنها يك اجرای دیگر باقیمانده است که امروز شنبه ۱۷ مهرماه توسط دوستان مشهدی " ماه میهمان شب " به صحنه میروند و دفتر سومین جشنواره کودک و نوجوان همدان نیز بایه اجراء درآمدن این نمایش بسته میشود . بجز امروز شنبه ، تاکنون هفت نمایش به صحنه رفته و هفت ایده و تفکر به بحث و گفتگو کشیده شده است .

راز جنگل سبز - کاکلی - باربان هارا بکشید - رویاه دم زنگوله دار - زنگ انشاء - نظرس قورقاجیق ( نظر ترسو ) - خروس پرحنائی - از شهرهای ملایر - اهواز - مشهد - ملایر - همدان گنبد کاووس و دزفول که هر کدام در نوع خود دیدنی و قابل تامل بوده اند . در طول این هفت روز مردم خوب ، علاقمند و خونگرم همدان ، کوچک و بزرگ در هوای نسبتاً سرد پاییزی به محل تالار فجر آمده و نمایش های یاد شده را دیدند .

کلیه این نمایش هایی که به صحنه آمدند ، با همه قوت و ضعفی که داشتند ، يك چیز را حکایت میکردند . عشق و علاقه و حضور در صحنه تئاتر .

این هفت روز یکی از بهترین و بیاد ماندنی ترین خاطرات يك هنرمند تئاتری است چرا که طی این مدت بچه های گروه های مختلف که از شهر و دیار دور و نزدیک به همدان آمدند تادکنار کار تئاتر سرود و نغمه دوستی و اخوت را سر دهند .

شب ها بعد از هر اجرا به نقد و بررسی می نشستند و بقول خودشان پنبه هم را میزدند و بعد هم بر روی میز شام با سلام و تعارف و خسته نباشید ، همدیگر را در آغوش می کشیدند و روی هم را می بوسیدند تا مبادا کدورتی بدل مانده باشد و بعد هم که به هتل می رفتند تا پاسی از شب گذشته این دسته با آن گروه از شهر و دیار و خاطرات بیاد ماندنیشان گل می گفتند و گل می شنیدند .

براستی که جشنواره همیشه بیاد ماندنی و پرخاطره ترین ایام برای تئاتری هاست . نفس گرم آن گوئی که قوت قلبی است برای یکایک بچه های تئاتری .

از این جشنواره تا آن جشنواره ، یعنی یکسال به انتظار نشستن و این عشق میخواهد و دلی پرشور . گوئی که جشنواره حکم بهار را دارد و با آمدنش یخ های رخوت و سستی را می شکند و شکوفه های امید را در دل می شکند . با آمدنش نسیم روح بخش را میماند که در کالبد بی رملق جان می دمند و حیات تازه ای در شریانت جاری می سازد .

پس حالا که این چنین است بیایم کام هنرمندان را از شهد جشنواره سیراب سازیم و از عصاره آن تن لطیف هنر را در قطرات زلال و شبنم گونه آن شستشو دهیم و تادیداری دیگر



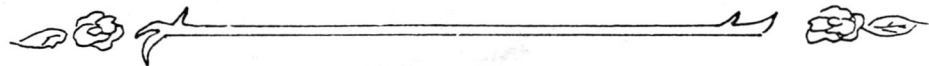


چشم از او برنداریم و همواره با چشم جان مراقبتش باشیم تا که این امید که امروز جشن سه سالگیش را گرفته‌ایم، امید فردای ما گردد. امیدی که بزرگ و بزرگتر می‌شود امروز این امید نگاهش به من - به تو و به ما است. پس امید امیدمان را نومید نکنیم و تافر دانی بعد که دوباره به جشن امید پای می‌نهمیم با کوله‌باری پربارتر و با تجربه‌ای بیشتر امیدمان را در آغوش بکشیم. انشالله

به امید دیداری دوباره با امید

محمد ترکالکی ( سرپرست گروه تئاتر اهواز )

شنبه ۲۲/۲/۱۷



## پیرامون موسیقی نمایش

### خروس پر حنائی

با عرض خسته نباشید به کلیه هنرمندان و دست‌اندرکاران نمایش " خروس پیرحنائی " — سواری هر چند مختصر قابل ذکر است :

ملودیه‌های اول که در گام‌های مینور ملودیک و مینور تتوریک نواخته شد بسیار ابتدائی و پیش‌پا افتاده و اکثراً تکراری بود. ولی دو قطعه بسیار کوتاه که " کروماتیک " جهت اجرای لحظات بیمناک نواخته شد جالب بود.

دو قطعه بعدی که با کلام و درگام مازور نواخته و خوانده شد از هماهنگی و ژوست بودن بی بهره بود.

ضمناً صدای تنبک بالای صدای پیانو بود " تنبلی و بیکاری و بی هوشی " آهنگی که بر روی این شعر گذاشته شده بود مجدداً درگام مینور تتوریک بود و جای بسی تعجب که اینهمه گام عوض کردن آنهم بدون مدد لاسیون.

با این تفصیل رویهمرفته با اینکه موزیک از حال و هوای پائینی برخوردار بود با کل نمایش زیاده تمرین نمود نبودند.

مسعود فریدونی - منوچهر مرادی

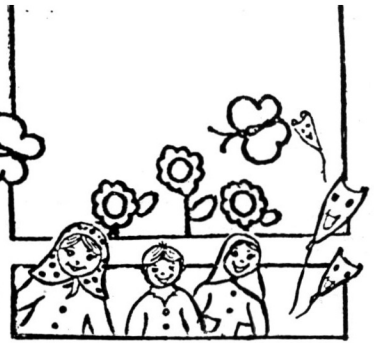
به دلیل کسالت کارگردان نمایش خروس پر حنائی از شهرستان دزفول،

جناب آقای محمدباقر حنطوش زاده، از شرکت در مصاحبه و پاسخ به سئوالات

عذر خواستند.

گروه خبری بولتن روزانه

## تمحيح يك خبر



در بولتن روزانه جشنواره شماره ۶ جمعه ۱۶/۷/۷۲ در صفحه ۶ مربوط به خبر آمده بود که دبیر جشنواره با گروه مشهد نشستی یکساعته داشت .

به اطلاع دوستان عزیز هیئت تحریریه محترم بولتن روزانه می‌رساند؛ ضمن عرض سلام و خسته نباشید به یکایک این عزیزان که با تلاش مستمر و بی وقفه اشان در طول برگزاری جشنواره کودک پایبای جشنواره کوشیدند تا بولتن را آماده و بموقع بدست عزیزان هنرمند و علاقمندان به تئاتر برسانند ، باید عرض کنیم که طی همین روز و در همین نشست گروه تئاتر ارشاد اسلامی اهواز نیز شرکت داشت و مضافاً اینکه این جلسه بیش از یکساعت و سی دقیقه بطول انجامید . در این نشست ابتدا برادر عزیز و ارجمندمان جناب حاج آقا صوفی سخنانی ایراد کردند و سپس سرپرست و نماینده گروه اهواز طی سخنانی ضمن تشکر و تقدیر از زحمات دست‌اندرکاران جشنواره به مواردی از قبیل وضعیت اسکان درمهمان پذیر همدان و مشکل حمام کردن گروهها در این مهمان پذیر اشاراتی داشتند . همچنین در این جلسه سرپرست گروه تئاتر ارشاد اهواز چند پیشنهاد از قبیل :

- ۱ - نمایش فیلمهای ویدئو پرژکتور مربوط به تئاتر کودکان و نوجوانان در طول برگزاری جشنواره .
- ۲ - نمایشگاه کتاب از آثار نویسندگان و مترجمان که تازه منتشر گردیده .
- ۳ - جلسات سخنرانی توسط اساتید فن در طول برگزاری جشنواره .
- ۴ - جلسات معارفه گروهها طی ایام جشنواره و ارائه اطلاعات و تجربیات مفید تئاتر بیکدیگر .
- ۵ - و ..... ارائه دادند .

در پایان یکبار دیگر از کلیه عزیزانیکه زحمت و تلاش بی شائبه‌ای در برپائی و هرچه بهتر برگزار کردن این جشنواره داشته‌اند به سهم خود از آنان تشکر و قدردانی می‌نمائیم .

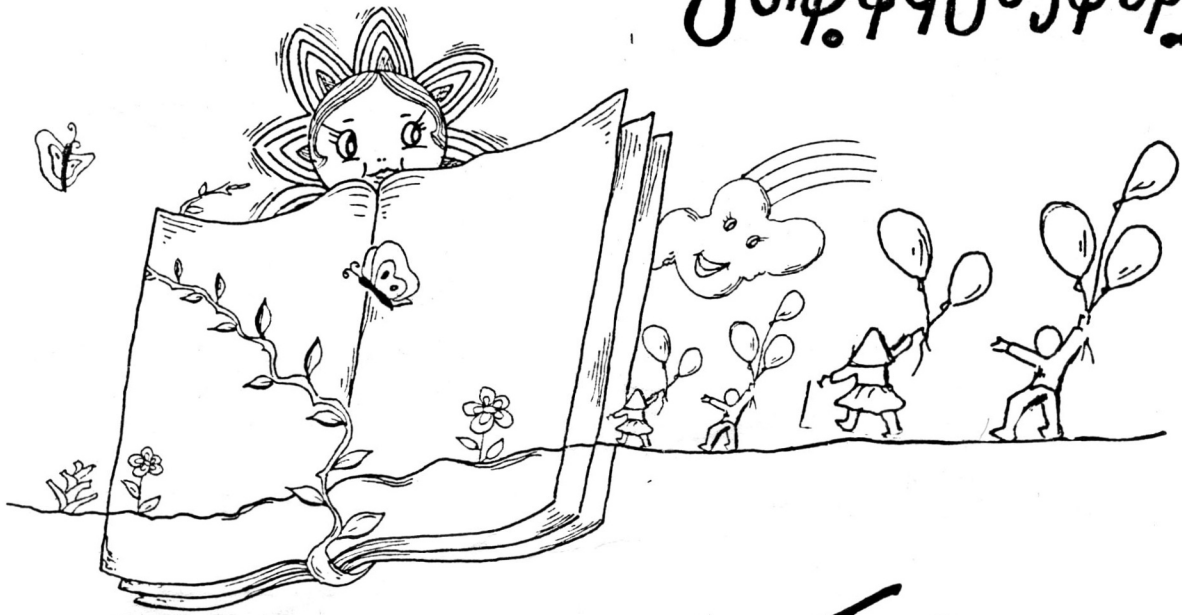
### سرپرست و اعضاء گروه تئاتر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خوزستان - اهواز

بولتن : از طرف ستاد برگزاری جشنواره و هیئت تحریریه بولتن از سرپرست و اعضاء محترم این گروه بخاطر حسن ظن و توضیحاتی که ارائه دادند متقابلاً " تشکر و امتنان داریم . از سهوی که در عدم درج نام آن گروه در خبر پیش آمده است پوزش طلبیده با توضیحات مفصلی که داده‌اند امید داریم جبران مافات شده باشد .





# ویژه کودکان و نوجوانان



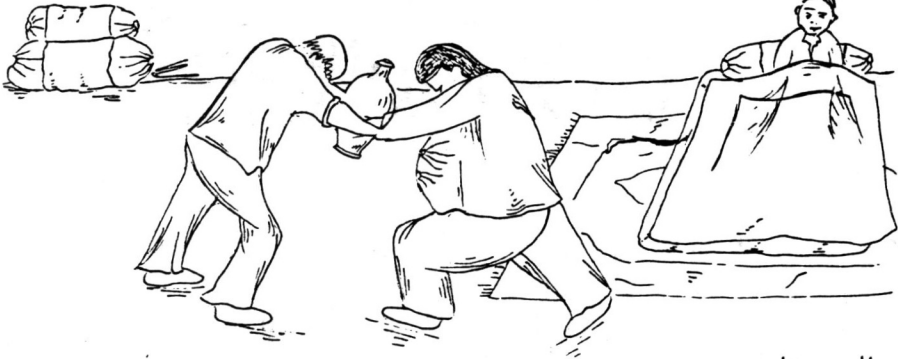
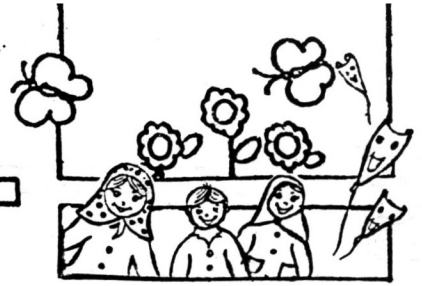
## قصه یک شب بارانی (۷) «نوشتار: اسماعیل انصاری» «طراح: رویا قربانی»



راوی ( دزد لاغر رفت و با یک کوزه آب پر برگشت )  
 دزد لاغر ۲ : به ، به به چه آبی ، چه آب خوب ونابی  
 دزد چاق : بده به منم ببینم ، منم میخوام آب بخورم  
 خسته شدم ، تشنه شدم ، بده کوزه رو آب بخورم  
 ممدلی ( با صدای بلند ) : بده به آقا ، خسته شده  
 بفرمائین ، گوارانوش جانتون  
 آبه دیگه ، آب که تعارف نداره

دزد لاغرا ۱ : ( به دزد چاق ) بگیر بشین ، خیکی بدقیافه باز ، بچه شدی  
 مگه نمی بینی که آقا نشسته ، منتظره تشنه شده  
 دزد چاق : ( دزد چاق که در حال کشمکش با دزد لاغر ۱  
 برای گرفتن کوزه آب است . کوزه





رامی گیردوبه "ممدلی" می دهد)

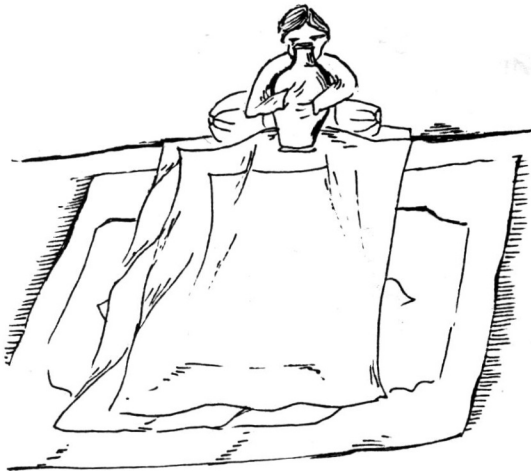


یادمه که بابام میگفت : آب روان ، آب تمیز اول مال بچه هاست .

معلومه دیگه ، وسائل این خونه هم مال همه بزرگتر است .

ممدلی : ( باصدای بلند ) نه ، جون شما ، بفرمائین ، زود بخورین

خسته شدین



دزد لاغر ۲ : ( به دزد چاق ) ببین چه کاری کردی

بچه توهم دادنزن ، بیخودی فریادنزن

بخور ، بخور ، گوارا ، آب دیگه د یالله

ممدلی : ( کوزه آب راسرمی کشد و بلند می گوید )

به به به چه آبی ، خنک و خوب و گوارا

کاشکی بابام بیدار بود ، کاشکی ننم بیدار بود

نکنه که تشنه باشن ، نکنه اونا هم ، آب بخوان

( بلند می شود که حرکت کند )

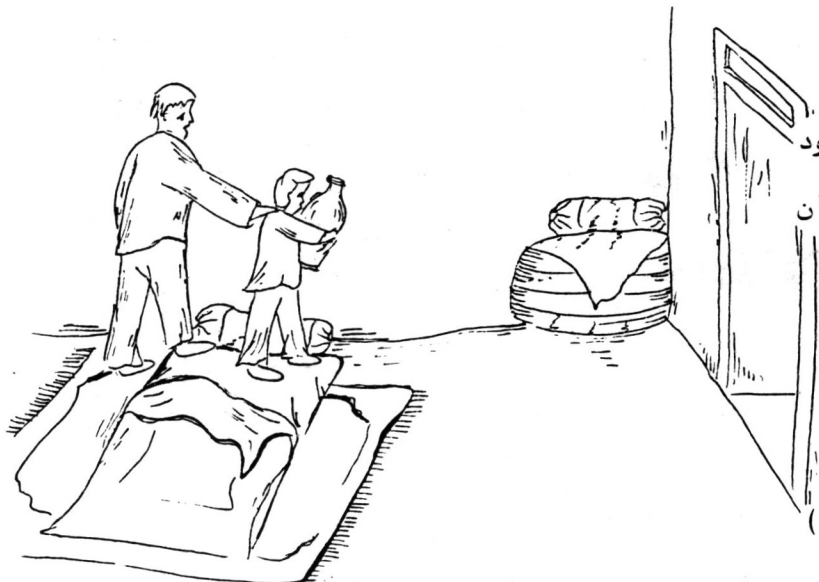
ها ، ها ، با اجازه ، شب خیلی درازه

میرم به سراون اتاق ، آب ببرم براشون

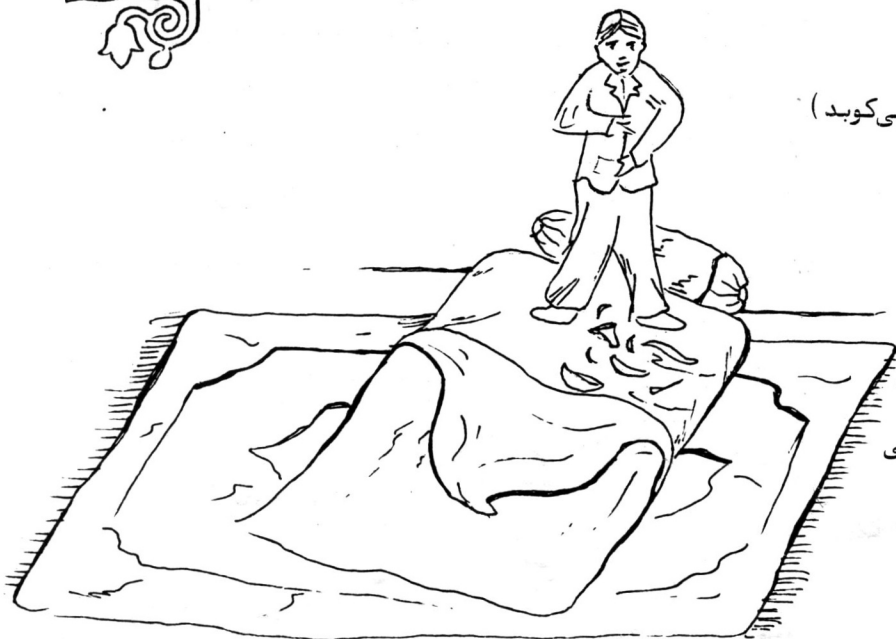
تا بشنوم دعاشون

دزد لاغر ۱ : ( دست روی شانه های ممدلی می گذارد )

بشین دیگه دادنزن ، بیخودی فریادنزن







ممدلی : ( موقع نشستن ، مخصوصاً کوزه را زمین می‌کوبد )

آخ آخ چه بد شد

وسط این رختخواب ، کوزه شکست و ، تر شد

راوی : بله بچه‌های عسلی ، خوب و عزیز و لپ‌کلی

صدای کوزه اومد ، از اون اطاق یکدفعه

صدای مثنی حسن ، صدای عذرا خانوم

باهم یه هو ، در اومد

ادامه دارد ....

## مصاحبه با تماشاگران کودک و نوجوان

س : اسم شما چیه ؟

ج : نعیمه بهرامی

س : چند سالته ؟

ج : ۸ سال

س : نظرتون درمورد نمایش پرحنائی

چیسه ؟

ج : خیلی قشنگ بود و یه چیزی بـ

آدم نشان می‌داد که مثلاً "مانتیجه

می‌گیریم که هرکی به کسی ظلم

کند به نتیجه کار بدش می‌رسد .

س : دختر خانم خودتو معرفی کن و بگو

چندسالته ؟

ج : سمیرا ضیافر - ۱۱ ساله

س : نمایش خروس پرحنائی رو دیدید ؟

ج : بله

س : نظرتون چیسه ؟

ج : نمایش خوبی بود ازش راضی بودم .

س : از کدوم قسمت نمایش بیشتر خوشش

اومد ؟

ج : از اون قسمت که روباه اومد .

س : از نمایش چی یادگرفتی ؟

ج : فهمیدم که همیشه باید دانا باشم .

---

س : اسم شما چیه و چندسالته ؟

ج : مونا امیرطالبی - ۱۱ ساله

س : نظرتون رادرمورد نمایشی که الان

دیدید چیسه ؟

ج : نمایش جالبی بود .

س : از نمایش چی یادگرفتید ؟

ج : از نمایش یادگرفتم که همیشه باید

پرکار باشم .

س : اسم شما چیه و چندسالته ؟

ج : علیرضا روحانی - ۱۰ ساله

س : نظرتون درمورد نمایش خروس پـ

حنائی چیست ؟

ج : نمایش بسیار خوبی بود و به آدم یاد

می‌داد که چه شکلی خودمان را از شر

دشمنان راحت کنیم .

س : از کدام قسمت نمایش بیشتر

خوشتون اومد ؟

ج : از اون قسمت که خروسه عقاب را

زندونی کرد .

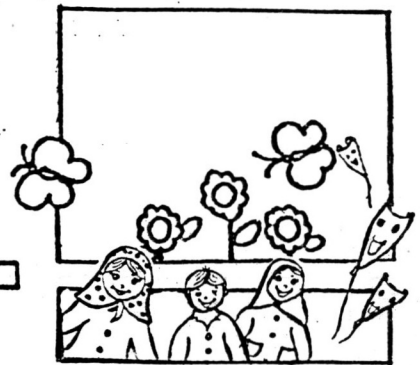
----

س : اسم شما چیه ؟

ج : فرشته میرزائی

س : چندسال داری ؟

ج : ۱۲ سال



س : نظرتون رو در مورد نمایشی که الان

دیدید بگوئید (خروس پرحنائی)

ج : نمایش خوبی بود .

س : شما از این نمایش چی یاد گرفتی ؟

ج : یاد گرفتم که آدم می خواد کاری بکند

باید با بزرگترها مشورت کند .

س : شما خودتو معرفی کن و بگو چند

سالته ؟

ج : رضا روشناس - ۱۳ ساله هستم .

س : نمایش خروس پرحنائی رو دیدید ؟

ج : بله

س : نظرتون چیست ؟

ج : نمایش خوبی بود .

س : اسم شما چیه ؟

ج : رویا سلیمانی .

س : چند سالته ؟

ج : ۵ ساله .

س : نمایش چطور بود ؟

ج : خوب بود ، شاد بود و از خروس خیلی

خوشم اومد .

## نقد



**نمایش : خروس پرحنائی**

**نویسنده : مرتضی داریوند نژاد**

**کارگردان : محمد باقر حنطوش زاده**

**بازیگران :**

**امیر آتشی**

**محمد باقر حنطوش زاده**

**علی خواجهئی**

**عبدالرضا ترکش دوز نژاد**

**محمد بهزادی نسب**

**خواهر بهزادی نسب**

**خواهر افشارنیا**

پرحنا و پرتلا دو خروس دهکده تصمیم می گیرند مردم آن طرف کوه را بیدار کنند ولی عقاب سیاه در قله مانع است، پرتلا می ترسد اما پرحنا موفق می شود .

\* \* \*

کاراکترهای نمایش شخصیت نیستند بلکه

نمادی موضوعی داستان اند ، يك رویه و در قالب تمثیل . طرح ساختاری نمایش از تضاد دراماتیک که منجر به کشمکش می شود دور افتاده است و تا اوج آن هیچ

فراز چشمگیر و قابل توجهی ندارد ، يك طرح خطی که به آسانی جلو می رود .

مردم روستا ، برخورد با رویاه ، خرگوش و در جازدن پرتلا در ساختار پیوندد

سست دارند و مزید بر آن میزانشس و حرکاتی که مداوم به عقب می کشدد

و چرخشهای بی موقع بدن روبه عمق صحنه وبا دیالوگ و حس ضعیف .

چرا عقاب مانع برخاستن مردم است؟ قله بالاتر چیست ؟ چرا نماد زندان مردم

در زیر قله در آخر خالی است و پرحنا در آن می رود ؟ مردم که خوابند ، پرحنا

چرا ؟ چرا خرگوش به دیدن پرحنا می آید و نمی ترسد ؟ و کاری هم نمی کندد ؟

و چرا ؟ . . . . .

شاید اگر مردم روستا با آن دکور بی فایده رویاه و خرگوش و پرحنا ، در يك صحنه

فرم نشان داده می شد و رویها هم

آنها تکمیل می کردند بنظر می رسید برای نمایش کافی باشد ، آنها طبق نمادگرایی و سیاقی که اجرا به موزون شدن می زند .

زیبایی کار آنجاست که پرحنا - نماد بیداری مردم - طبق طبیعت خود می خواهد

به قله برسد و مردم آن طرف کوه بیدار کند ، صبحها بخواند تا مردم دهکده خاموش به کار روزانه خود بپردازند .

این هد فکه مقصد نقطه عزیمت نمایش است يك حس متعالی و رومانتيك بوجود

می آورد . قرار گرفتن پرحنا در روی قله کمک گرفتن او از بچه های تماشاگر تلاش

او در راه سفر ، قرار گرفتن خروسها در روی سنگهای باریک از ترس رویاه قسمتهایی

از تکه های خوب نمایش است ، همچنین صدای گرم و میزانشس راویها ،

نمایش بر حسب ظاهر دو نیمه است ، نیمه ای که داستان را در روی صحنه واقعگرایی

می کند و نیمه ای که در فرم موزون گرایی همراه آهنگ و نور اجرا می شود ، این

قسمت با موضوع نمایش و تم آن که يك عمل کلی در طبیعت است و به شعر می رسد



هماهنگ است و حال و هوایی رومانتیک سخن آنکه اگر بنای کار بر این قسمت آوازاها و رقصها نشان دهنده تلاش و فانتزی رامی دهد زیرا مینا درونمایه زیادی است و اگر در سبک اجرایی به تماماً آورده می‌شد آنوقت می‌شد یک سفر آسان اما پر باراز معنی است نهاد فایم باید در نمایش یک دست عمل کند . اجرای موزیکال و زیبا را دید ، همچنین فرم و رقص در آن دخیل، ما حاصل قابلیت موزون بودن صحنه های نمایش توفیق بیشتر این گروه را خواهانیم .

## خیمه شب در کنار خیمه شب بازی

همانگونه که مطلعید خیمه شب بازی مشهورترین و رایج ترین نمایش عروسکی

• سنتی ایران است

گروه خیمه شب بازی شب گذشته تالار فجر همدان را شکوهی دیگر بخشیده بود . در طول برنامه این کهنه کاران قوی پنجه هنرمند ، سفر سندیادگونه‌ای را به دیارهای فراموش شده‌ای آغاز کردیم که می‌رود در دستهای این عزیزان در کالبدی دوباره ، جانی تازه بگیرد .

• شوری بود و شوقی و صفائی

براستی گام نهادن در حیطه‌های به دست فراموشی سپرده شده کاری است کارستان و قابل تقدیر و تمجید . این مهم شب گذشته توسط گروه خیمه شب بازی کارگاه نمایش با خبره‌گی و شیرین کاری ، انجام شد و کاری زیبا به سرپرستی آقای ضرغامی و عروسک گردانی استاد خمسه و همکارانشان استاد احمدی نوازنده ضرب و استاد برزوئی نوازنده کمانچه اجرا شد . موفقیت روز افزون این گروه هنرمند چیره دست را از ایزدمنان خواهانیم .  
هیئت تحریریه بولتن

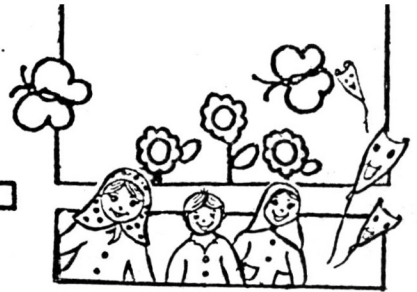
## اطلاعیه

نشست گروههای نمایشی شرکت کننده با جناب آقای محمدحسین صوفی دبیر جشنواره و مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان و آقای علی پویان مشاور هنری مرکز هنرهای نمایشی و مسئول دبیرخانه دائمی جشنواره‌های تئاتر کشور و آقای عزت‌الله مهرآوران مسئول امور هماهنگی مرکز هنرهای نمایشی .

زمان : ۲۲/۷/۱۷ بعد از جلسه نقد و بررسی " ماه میهمان شب "

مکان : تالار فجر

شرکت کنندگان می‌توانند سئوالات کتبی خود را به دفتر تالار فجر ارائه نمایند .



## مکمل بودن هنر است

تئاتر هنر زندگی است • هنر ارتباطی نزدیک ، زنده و پویا • هنری که می‌تواند در جامعه نقش تربیت و تعلیم را در بعد فراگیر داشته‌باشد • نقشی از زندگی ، از اجتماع ، انسان و .....

تئاتر و سینما يك هنر گروهی است که جمعی در کنار هم موجب بوجود آوردن اثری به نام نمایش و یافیلیم می‌شوند ، در هر يك از این هنرها افراد در حد توان ، تلاشی مجدانه و زیبا در جهت بهتر شدن آن اثر می‌کنند • به عنوان مثال گریمور ، نورپرداز ، طراح صحنه ، طراح لباس و ..... هر يك نقشی از اثر را در خود می‌یابند و کوششی در راستای اثر می‌نمایند •

تمامی آنها نقش مکمل هنر را دارا هستند و به خودی خود نمی‌توانند انعکاس یابند • در کنار تمامی هنرها ، هنر تبلیغ جایگاه خاصی را دارا است و هنر گرافیک در این مقوله می‌گنجد ، هنری که در جهت اطلاع رسانی و پیام با توجه به گستردگی آن در کنار دیگر هنرها گام برداشته و خودبه طور مطلق هنری جدانیز محسوب می‌شود •

در بدو ورود به شهر زیبای همدان و به تالار فجر محل اجرای نمایش‌ها چشم به پوستروسمین جشنواره تئاتر کودک و نوجوان افتاد ، پوستری که حاکی از فکری زیبا ، اجرایی در خور تحسین و از نوشتاری هماهنگ و با محتوا برخوردار بود • چنانکه برای خود نیز به یادگار برداشتم و نیز اندیشیدم که با خود کوله باری از پوسترها و بروشورهای گروههای مختلف را به مشهد ببرم ولی پس از ملاحظه پوسترها و بروشورهائی که گروهها به درودیوار تالار و جاهای مختلف زده بودند آب سردی بر وجودم ریخته شد •

تا کنون که روزهای پایانی جشنواره را طی می‌کنیم تمامی گروههای نمایشی بدون توجه به گستردگی این هنر که می‌تواند در بهتر شناساندن اثر تئاتری با مردم عادی و نیـز هنرمندان ارتباط برقرار کند و سالن‌های نمایشی را مملو از تماشاگر کند ساده‌انگارانه رد شده حتی به فتوکپی کردن يك طرح و بروشور و نیز طراحی نامناسب با متنی گذر کرده اند در صورتی که می‌توانستند با این مسئله خیلی بهتر و جدی‌تر برخورد نمایند •

همه باید در نظر داشته باشیم که تمامی بروشورها و پوسترهای نمایشی برای آیندگان و نیز تاریخ تئاتر این مملکت به عنوان يك سند ضبط<sup>شده</sup> و قضاوت آیندگان بر نمایش ما در این زمان را به عهده خواهند گرفت • ممکن است بگویند که مسئله اقتصادی را باید در نظر گرفت آری ولی می‌شود که با يك رنگ ، حتی با فتوکپی اما با طرحی مناسب و زیبا که همراه با تفکر و از محتوایی خوب برخوردار باشد ، پوستر یا بروشوری در خور تحسین عرضه داشت •





نقش تبلیغات را در هیچ زمینه‌ای نمی‌توان منکر شد. تبلیغ در جهت نمایشی  
میتواند مزایای بی‌شماری را اعم از اقتصادی و معنوی برای تمامی دست اندرکاران نمایش —  
همراه داشته باشد و نیز این مقوله بر می‌گردد به کارگردان یک اثر در زمینه سینما و تئاتر که  
باید دارای شناخت کافی از جنبه‌های مختلف نمایشی و مکمل‌های آن باشد. چنانکه یک منتقد  
بایستی با تمامی جنبه‌های هنری، ادبی، سبکها، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، موسیقی و...  
آشنائی کافی داشته باشد. در شرایط کنونی کارگردان می‌باید به تمامی عوامل مکمل نمایشی  
احاطه‌ای کامل داشته تا بتواند هم برای گروه خویش و هم دیگر گروه‌های تئاتری که همه در یک  
سنگر مقدس گام برمی‌دارند موثر و مثمر ثمر واقع شود.

به امید روزی که هر یک از ما در صحنه نمایش عامل مهمی بشمار آئیم.

سعید بابائی — مشهد

## عروس آمد

با سلام خدمت شما :

از تبریک شما بخاطر ازدواج یک خانم هنرمند سپاسگزارم. من به دل نمی‌گیرم چون گمان می‌کنم  
این مطلب طنز آمیز در نشریه بولتن نوعی پیام تبریک است.  
ضمناً ناگفته نماند که بولتن سومین جشنواره امید شبا هت زیادی به مجله گل آقا پیدا کرده است.

باتشکر عروس جشنواره

زاهدی

بولتن : خوش آمد و تبریک مجدد می‌گوئیم خدمت عروس خانم هنرمند و آقا داماد ارجمند  
و تشکر می‌کنیم از اینکه ما را به مجله وزین گل آقا تشبیه کرده‌اند.

سخنرانی

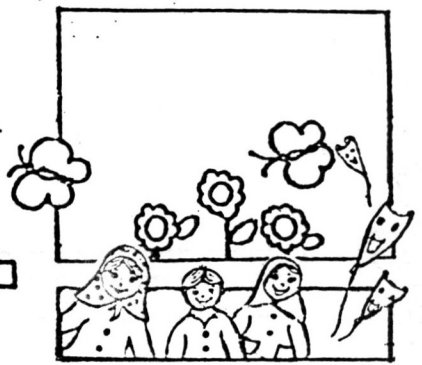
سخنرانی قبل از جلسه نقد و بررسی " ماه میهمان شب "

۷۲/۷/۱۷

سخنران : جناب آقای عزت ۰۰۰۱ مهرآوران

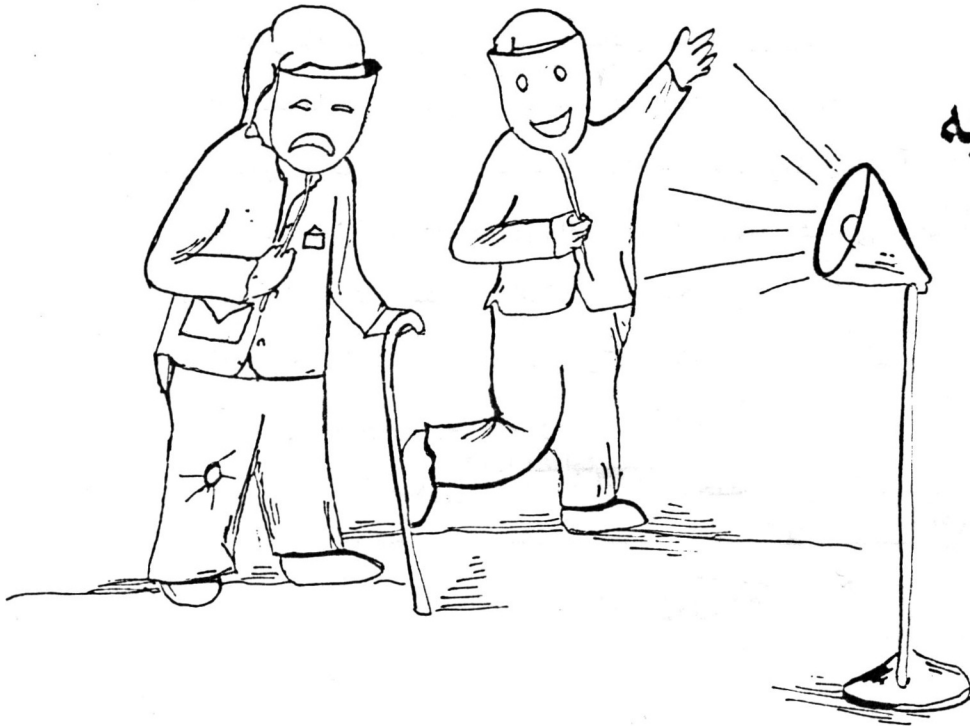
پیرامون : زمینه‌های آئینی نمایش

مکان : تالار فجر



## انتقال يك تجربه

« رضا فیاضی »



به دیگران منتقل کنند. باید بپذیریم که بازیگری سهل ممتنع است. در ظاهر بسیار آسان می نماید اما در عمل و درحقیقت امر بسیار سخت و مشکل است. بازیگری در این عرصه توفیق میابد که در هرزمینه روی خودکار کند. درونی و بیرونی، در اندیشه و در عمل. و در مسیر آموزش جان و خرد، برد باکسی است که بسیار سفر کرده باشد. (بسیار سفر باید تا پخته شود خامی).

آموختن موسیقی آموختن يك علم است و يك نوازنده معمولی کافی است اصول اولیه این علم را بیاموزد تا بتواند ساز خود را بمذا در آورد و اگر همین نوازنده بخواهد "هنرمند"

برای به محنه بردن نمایش "نیرنگ" - های اسکاپن " اثر مولیر گفته است. من فقط به اتکا خلاقیت و قدرت بازیگری ماریوگونزالس این نمایشنامه را دست گرفتم. انتقال تجربه آموزش در مکتب بازیگری استادی چون ماریوگونزالس بدون عمل کاربیهوده ایست. چرا که این تجربه مثل هر تجربه بازیگری بدون تمرین و عمل آب درهاون کوبیدن است.

پس من از دوستان علاقه مند به فراگیری صحیح این روش تقاضا دارم نکاتی را که فهرست وار در اینجا قید می کنم بصورت يك کار کلاسی فعال انجام دهند و در صورت موفقیت

سعادت دست داد تا بتوانم در فرهنگرای بهمن تهران در مکتب استادی بنام " ماریوگونزالس" درس بازیگری بیاموزم. گرچه این دوره بسیار کوتاه و فشرده بود اما برای من یکی از ارزش ترین دوره های زندگی بشمار میآید.

" ماریوگونزالس کیست؟ این دلگشا پیراز مربیان و بازیگران و کارگردانان مطرح تئاتر فرانسه و دنیا است. او - معروفترین بازیگر کم دیا دلارته می باشد و تخممش در بازی ماسک است ماریوگونزالس گواتمالایی الاصل است و جز زبان مادری، فرانسه و انگلیسی را بسیار خوب حرف میزند. يك کارگردان مطرح تئاتر فرانسه



داشته باشید که تکرار همین اشتباهات بعد منجر به شوخی در کمیداد لارته و شیوه ای در بازیگری " کمیداد لارته و بازی ماسک می شود .

### تمرین اول

\* حالا با توجه به قوانین ذکر شده، مربی از بازیگران خود می خواهد که عمل کنند . مربی به یکی از بازیگران می گوید شیئی را ( مثلا " یک کیف دستی یا کتابی را ) برداشته به گوشه ای دیگر انتقال دهد . بازیگر پس از رعایت قوانین بازی باید مقصد خود را خوب ببیند . شناسائی کند و بعد به سمت آن حرکت کند . در این حالت هیچ نیازی نیست که بازیگر به هدف خود نگاه کند . باید به چشم چپ یا راست یکی از بازیگران ( یا تماشاگران ) نگاه کرده به سوی هدف برود . وسیله یا شیئی را در جای تعیین شده قرار دهد و سپس با همان نگاه به چشم شخص مورد نظر در جای اول خود قرار بگیرد . ( این تمرین به قدرت دید و توجه بازیگر به موقعیت صحنه میزانش ها و اندازه ها و ابعاد صحنه کمک می کند . ) این ها که تمرینات اولیه و بدون استفاده از ماسک در روش آقای گونزالس بود ،

### تمرین دوم

وقتی ماسک به چهره زده شد - با در نظر

گروه مانعی است بر سر راه کشف و شهود عامل .

۴- عامل ( بازیگری که عمل می کند ) باید نسبت به هر حرکت و صدایی واکنش نشان بدهد . عکس العمل از یک توقف کامل . نگاه به آن اتفاق . ( حرکت یامدا ) مکث سه ثانیه ای و یک نفس عمیق می باشد - بعد حرکت خود را ادامه دهد .

۵ - بازیگر باید چشم حیوانی داشته باشد چشم پرندگان و از جمله جغد بهترین نمونه ، این نگاه هستند . ( به عکس العمل حیوانات بخصوص پرندگان دقت کنید ) .

۶- عامل قبل از انجام هر کاری و یا پاسخ به هر سوالی که از طرف مربی ( رهبر گروه ) مطرح می شود باید پس از شنیدن سؤال یا دستور حرکت ۲ ثانیه مکث کند - ( دردل ۳ شماره بشمارد . یک . دو . سه ) یک نفس عمیق بکشد و سپس حرکت کند

۷- همه ، افراد گروه باید به رهبر و مربی چشم بدوزند . و در برابر سؤال مستقیم به چشم مربی نگاه کنند .

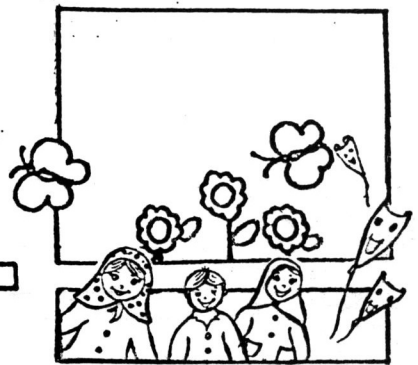
۸- هراشتباه از طرف بازیگر - ( فراموش کردن مکث ۳ ثانیه ای یا جواب دادن سریع به سؤال مربی ) یک تنبیه دارد . تکرار ۳ بار آن حرکت یا دیالوگ و بعد ادامه ، بازی توجه

باشد می تواند در همین زمینه ( موسیقی ) تجربه و کسب دانش کند اما یک اهل تئاتر ضروریست که تمام فنون و علوم را بیاموزد تا بتواند هنر خود را عرضه کند . روشن است که یک اهل تئاتر باید با موسیقی آشنائی ( هر چند مختصر ) داشته باشد . با ادبیات - داستان - شعر و نقاشی کشور خود و دنیا آشنا باشد . سوارکاری بداند . شمشیر بازی و شنا بلد باشد و . . . و . . . والی آخر .

و اما بازی مورد نظر آقای ماریو گونزالس یک آئین است و دارای قوانینی خاص می باشد آنکس که وارد این بازی بشود تابع این قوانین و ملزم به اجرا می این قوانین است .

### قانون بازی :

- ۱- خود را از هرگونه وسایل اضافی از قبیل انگشتر : آویز ساعت و . . . . . رها کنید .
- ۲- لباس یک دست مشکی وبدون نقش بپوشید و در تمرینات ماسک جیب و راب مشکی بسر بکشید طوری که سروگوش شما را بپوشاند .
- ۳- نقطه ، تمرکز و توجه گروه باید به شخصی باشد که عمل می کند . هر حرکت اضافی و خارج از بازی از طرف افراد



### تمرین سوم : بازی دلقک

به این ترتیب بازیگران لباس مربوط به شخصیت های مختلف کمیدالارته رامی پوشند و ماسک آنها را به چهره می زنند . بعد به میان مردم می روند و تماشاگران خودمی پرسند دوست دارند چه نمایشی برای آنها بازی کنند در این حالت تماشاگران سوژه بازی آنها را تعیین می کنند و بازیگران به ذوق بداهه سازی خود ( البته باتوجه به کاراکترها ) شروع به بازی می کنند . به نکات بالا این سه نکته را هم اضافه کنید .

۱- برای شروع بازی در یک دایره قرار بگیرید بطوری که کاملا " همدیگر را ببینید .

۲- برای معرفی افراد گروه از بسازی ( پرتاب اسم ) استفاده کنید به این شکل نفر سمت چپ نام خود را بسمت کناری خود پرتاب می کند شخص نام او را می شنود . روبرو رانگاه می کند و بعد نام خود را به نفر سمت راست خود پرتاب می کند . دیگری هم همینطور نام همکار کناری خود را می کند و بعد نام خود را به نفر سمت راست خود پرتاب می کند و دیگری هم همینطور نام همکار کناری خود را می کند و بعد نام خود را به نفر سمت راست خود پرتاب می کند و بعد نام خود را به نفر سمت راست خود پرتاب می کند و بعد نام خود را به نفر سمت راست خود پرتاب می کند .

نظم در بازی شرط اصلی موفقیت در کار است پس این شعار را در سر لوحه کار خود قرار دهید :

" نظم ، نظم ، نظم "

موفق باشید

در بازی دلقک ، آقای گونزالس يك دماغ سرخ دلقکی در اختیار افراد گروه قرار می دهد . بازیگر در حالی که سرش پائین است دماغ را روی چهره خود می گذارد . ۳ ثانیه صبر می کند . يك نفس عمیق می کشد و با خارج کردن يك صدا از دهان خود اعلام حضور می کند - ( صدا به دلخواه بازیگر و متناسب با نوع دماغ انتخاب می شود ) .

بعد در همان حالت چشمها را گرد کرده به افراد گروه نگاه می کند . در این موقع آقای گونزالس سئوالاتی را راجع به نام و شخصیت دلقک می پرسد و بازیگر با حفظ صدا و حالات خود به سئوالات او پاسخ می دهد . که این تمرین با هدایت آقای گونزالس و دستیار هنرمندش بسیار جالب و دلپذیر بود .

باید اضافه کنم که آقای اگر اوپیه دستیار بسیار جوان آقای گونزالس ( حدود ۲۱ سال دارد ) اهل بلژییک است و در بروکسل يك شرکت تولید نمایش دارد . این گروه علاوه بر بازی در نمایش های کمیدالارته و آموزش این شیوه بازیگری - تئاترهای خیابانی هم اجرا می کنند و سوژه کار خود را از مردم ( تماشاچیان ) می گیرند .

گرفتن قوانین ذکر شده ، و حفظ قوانین ماسک ( زدن ماسک بر چهره هم بصورت آئینی انجام می گیرد ) به حرکات بازیگر صدا اضافه می گردد . بازیگر متناسب با شخصیت ماسکی که بر چهره می زند صدایی برای خود انتخاب کرده شروع به بازی می کند در کمیدالارته شخصیت پانتالونه ( طبعاً " صدایش ) با شخصیت آرلکن یا دکتر و غیره و ( طبعاً " صدای آنها ) متفاوت است .

در نمایش های سنتی ما هم وضع بهمین منوال است . شخصیت " سیاه " و ( طبعاً " صدایش ) با شخصیت حاجی یا فکلی و امثالهم بسیار متفاوت است . در نمایش ماسک برای کودکان غالباً از ماسک حیوانات استفاده می شود . حال باتوجه به خود حیوان صدای او هم انتخاب می شود . تعاریفی که از الاغ و روباه داریم - الاغ را حیوانی ساده لوح و نادان - و روباه را حیوانی زیرک

مکار و حیله گر می شناسیم بنابراین صدای خود را متناسب با شخصیت حیوان در نمایش انتخاب می کنیم . و به مدد حالات و حرکات ظاهری حیوان - آنرا بازی می کنیم .



# ماه میهمان شب

براساس قصه‌ای آذری ترجمه و تنظیم از زینب زاده

نویسنده و کارگردان: **انوشیروان ارجمند**

طراح صحنه: **سعید باغچه‌بان**

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان

مرکز هنرهای نمایشی



مناور: علیرضا سوزنجی  
دستیار: هادی نوری  
آهنگ: محمد فلاحتی  
نخیم آهنگ: پرواز ارجمند

پائیز ۱۳۷۲ جشنواره تئاتر کودک و نوجوان همدان (امید)

پائیز ۱۳۷۲ مشهد





اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان